

گفتمان سلفیه علمی؛ سیاست پرهیزی و واسازی سلفیت وهابی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۲۹

حمداله اکوانی *

منصور میراحمدی **

مهدی عوض پور ***

علیرضا سمیعی اصفهانی ****

چکیده

یکی از منازعه‌های درونی گفتمان سلفی معاصر منازعه حول «ترک سیاست» و «سیاست‌گرایی» است. سلفی علمی یا آلبانی از جمله جریان‌های سلفی معاصر است که در واکنش به سیاست‌گرایی وهابیت سنتی و گفتمان‌های صحوه، اخوان‌المسلمین و سلفی جهادی، رویکرد سیاست پرهیز را تجویز کرده و بر خلاف این جریان‌های سلفی، با هرگونه فعالیت تشکیلاتی و سیاسی قبل از پاکسازی و تربیت مخالف است و تغییر ساحت سیاست را منوط به بازسازی ساحت اجتماع می‌داند و نه برعکس. شیخ آلبانی بنیان‌گذار سلفیه علمی معتقد بود که این طرز نگرش در نهایت به شکل‌گیری حکومت اسلامی منجر خواهد شد. گفتمان سلفی علمی مدعی است از یکسو گفتمان سلفی وهابی را از عناصر متناقض با عقیده سلف صالح پاکسازی کرده و از سوی دیگر نقش یکی از کانون‌های مقاومت علیه سیطره گفتمان سیاست‌گرای سلفی جنبشی (صحوه) را ایفا کرده است. از این‌رو این خرده‌گفتمان به نام دفاع از وهابیت جدید و پاک‌شده از تأثیر اخوان‌المسلمین، همزمان به مقابله با اخوان‌المسلمین از یکسو و نهاد وهابیت سنتی از سوی دیگر پرداخت. سؤال اصلی مقاله این است که بازسازی‌های معنایی سلفی علمی چه تأثیراتی بر صورت‌بندی گفتمان سلفی و منازعه درونی این گفتمان در مورد امر سیاسی داشته است؟ برای پاسخ به این سؤال گفتمان سلفی علمی بررسی و از این رهگذر صورت‌بندی و منازعه آن برای طرد و به حاشیه‌رانی گفتمان سیاست‌گرای سلفی و نیز چالش‌های هژمونی آن بررسی شده است. در این مقاله از منظومه معنایی رویکرد تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه به عنوان نظریه و روش استفاده می‌شود.

واژگان کلیدی

سلفیه علمی، الصحوه، منازعه معنایی، امر سیاسی، تحلیل گفتمان.

Hamdallah.akvani@gmail.com

M_Mirahmadi@sbu.ac.ir

Mehdi.evazpour@gmail.com

alireza.samiee.esf@gmail.com

* استادیار علوم سیاسی دانشگاه یاسوج

** استاد علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

*** دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه یاسوج

**** استادیار علوم سیاسی دانشگاه یاسوج

مقدمه و طرح مسئله

در حالی که گفتمان سلفی وهابی به سازمان‌ها و نهادهای ضعیف درون حکومت محدود شده بود و در همان زمان جهان عرب شاهد صعود جریان ملی‌گرا و چپ و چیرگی آن بر عرصه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بود و تفکر اصلاح‌طلب اسلامی نیز دچار سستی و رخوت شده بود و گفتمان‌های رادیکال و انقلابی سلفی در حال ظهور بودند. در چنین شرایطی شیخ محمد ناصرالدین آلبنی پایه‌های گفتمان سلفی جدید خود را بنیان گذاشت (ابورمان و هنیه، ۲۰۱۲: ۲۳۳-۲۳۲): گفتمانی که به خاطر تأکید بر دعوت به بازگشت به روش و اصول علمی و عملی صحابه به نام سلفیه علمی معروف شده است.

سلفیه علمی خود را دعوتی برای بازگشت به اصول و روشی علمی و عملی می‌داند که صحابه و تابعان حاملان آن بوده‌اند. آلبنی شخصیت محوری در شکل‌دهی به سلفیه علمی است و به دلیل نقش محوری وی، به نام سلفیه آلبنی نیز شناخته می‌شود. تخصص اصلی آلبنی در علم حدیث است و فعالیت‌های وی تحرک جدیدی به گفتمان سلفی معاصر بخشیده است. تأثیر چشمگیر آلبنی بر سلفیه معاصر صرفاً در حوزه تخصصی ایشان - علم حدیث - نبود بلکه شامل فقه، عقیده و آرای سیاسی و روشی نیز می‌شد. در محافل سلفی آلبنی را «محدث دوران» می‌نامند. شیخ ناصرالدین آلبنی (۱۹۱۴-۱۹۹۹) اصالتاً اهل آلبنی است که به همراه پدرش که از شیوخ حنفی بود، در سال (۱۹۲۲م) از آلبنی به دمشق مهاجرت کرد. در ابتدا از اصلاح‌طلبانی مانند محمد عبده و رشید رضا تأثیر پذیرفت که این خود را در قالب مخالفت با تصوف و اسلام محلی و نیز مخالفت با تقلید و مذهب‌گرایی نشان داد. تألیف نخست وی با عنوان «تحذیر الساجد من اتخاذ القبور مساجد» بیانگر همین رویکرد بود (مجدوب، ۱۹۸۶: ۲۹۰). آلبنی گشودن باب اجتهاد را نیز از اصلاح‌طلبانی مانند رشید رضا سردبیر المنار فرار گرفت. اصلاح‌طلبان بر ضرورت تحقیق در احادیث با هدف ممکن ساختن اجتهاد تأکید می‌ورزیدند. آنان به عقل و رأی نقش فقهی مهمی اعطا می‌کردند و با رویکردی انتقادی به نقد فنی سلسله روایان حدیث و نقد عقلی متن می‌پرداختند (Brown, 2003: 40-41). آلبنی در این باره از اصلاح‌طلبان الهام گرفت اما فاصله خود را با آنان در مورد کاربست عقل در نقد حدیث حفظ کرد. وی روند تبلیغی خود را درون

شهرهای مختلف سوریه با هدف ایراد سخنرانی و ارائه دروس آغاز کرد و گفتگوها و کتاب‌هایش در جهان عرب معروف شد تا اینکه شیخ عبدالله بن باز معاون رئیس دانشگاه اسلامی و بعداً مفتی کل عربستان سعودی از وی خواست برای تدریس علوم حدیث و فقه در این دانشگاه به عربستان سفر کند (عبدالغنی، ۲۰۱۳: ۹۷۸). وی مدتی در عربستان بود اما به دلیل بروز اختلافات بین او و علمای رسمی وهابی، از عربستان اخراج و تا زمان وفاتش در اردن ساکن شد. وی در طول مدت اقامت در سوریه، عربستان و اردن توانست شاگردانی را تربیت کرده و بستر شکل‌گیری گفتمان سلفی علمی را در جهان عرب فراهم کند.

نگرش روشی، علمی و تبلیغی شیخ ناصرالدین آل‌بانی، تأثیر زیادی روی اندیشه سلفی معاصر گذاشته است. وی معتقد بود که این طرز نگرش در نهایت به شکل‌گیری حکومت اسلامی منجر خواهد شد. شیخ قائل به راه‌اندازی تشکیلاتی برای تحقق این نگرش نبود. آل‌بانی با نگرشی سیاست پرهیز می‌گفت: «دعوت ما ابتدا فرهنگ‌سازی سپس کادرسازی می‌کند». این بر خلاف نظر شیخ محمد بن عبدالوهاب بود که برای به ثمر نشاندن نگرش تبلیغی خود تلاش کرد تا با یک قدرت سیاسی ائتلاف کند. پیروان گفتمان سلفی علمی، با نامیدن خود به آل‌بانی مخالف هستند به گونه‌ای که علی‌حلبی معتقد است این نام‌گذاری با هدف نفرت‌پراکنی نسبت به دعوت شیخ آل‌بانی صورت می‌گیرد؛ گفتمانی که بنیان آن دعوت به کتاب و سنت و رهایی پیروان از زنجیرهای تقلید است. به باور حلبی همان‌گونه که مخالفان محمد بن عبدالوهاب دعوت او را «وهابی» خواندند مخالفان آل‌بانی نیز دعوت او را «آل‌بانی» می‌خوانند حال آنکه دعوت آل‌بانی به کتاب و سنت بوده است (شحاده، ۲۰۱۰: ۵۰). مقاله حاضر فهم نگرش جریان‌های سلفی معاصر به امر سیاسی را در کانون توجه دارد و از رهگذر بررسی منظومه معنایی گفتمان سلفی علمی، منازعه این خرده گفتمان با گفتمان سلفی وهابی و دیگر خرده گفتمان‌های سلفی معاصر، دو مناظره اصلی در گفتمان سلفی یعنی «جامعه‌گرایی» و «سیاست‌گرایی» را مورد بحث قرار می‌دهد.

چارچوب نظری و روش بحث؛ گفتمان و منازعه درونی

این پژوهش از ظرفیت نظری و روشی تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه برای تحلیل منظومه معنایی گفتمان سلفیه علمی و منازعه درون گفتمانی آن با سلفیه وهابی و سایر جریان‌های اسلامی بهره می‌گیرد. از منظری برساخت‌گرایانه امور اجتماعی و سیاسی و به‌طور کلی جهان واقعیت، تنها در درون ساخت‌های گفتمانی قابل فهمند و گفتمان‌ها به فهم ما از جهان شکل می‌دهند (منوچهری، ۱۳۹۰: ۱۰۴). اما گفتمان‌ها خود موجودیتی یکپارچه نیستند و در درون هر گفتمان خرده‌گفتمان‌های مختلف حول دال‌های اساسی منازعه معنایی دارند. از این رو گفتمان‌ها خود نیز همیشه مستعد نوعی تزلزل و بحران هستند. گفتمان زمانی که نمی‌تواند رویدادهای جدید را به موقع و به خوبی معنادهی کند و یا انتظارات سوژه‌ها را برآورده سازد دچار بی‌قراری شده و انجماد و تصلب معنایی، زمینه قدرت‌یابی گفتمان‌های رقیب را فراهم می‌کند. در چنین شرایطی زمینه برای ظهور سوژه‌های جدا شده که تلاش می‌کنند هویت خود را از طریق گفتمان‌های دیگر باز یابند، فراهم می‌شود. از این رو گفتمان‌ها در کلیت خود از یک سو در رقابت و منازعه دائمی با دیگر گفتمان‌ها هستند اما از طرف دیگر در درون نیز با منازعه خرده‌گفتمانی مواجه هستند. همان‌گونه که گفتمان‌ها دشمن بیرونی یا به تعبیر لاکلاو و موفه بیرون سازنده^۱ را برای تثبیت هویت خود لازم دارند، واجد نوعی خصومت درونی نیز هستند و افزون بر معنا، حول رویکردها و روش‌های کنش عملی نیز دچار اختلاف هستند. به دلیل امکانی بودن و تصادفی بودن گفتمان‌ها و نظام اجتماعی که ایجاد می‌کنند، گفتمان‌ها تاریخمند هستند و هنگامی که ذهنیت سوژه‌ها دچار دگردیسی و تغییر شد، گفتمان مسلط دچار اعتبارزدایی می‌شود و به تدریج قابلیت سوژه‌سازی آن گفتمان نیز کاهش می‌یابد. در چنین شرایطی گفتمان‌ها دچار تزلزل می‌شوند و گفتمان‌ها برای حفظ هژمونی خود نیازمند نوعی بازسازی درونی هستند. در برخی مواقع نیز خرده‌گفتمان حاکم توانایی حفظ هژمونی را ندارد و از این رو برخی خرده‌گفتمان‌های به حاشیه رفته اما وابسته به گفتمان مادر، سعی در بازسازی نظم

گفتمانی می‌کنند. در سایه همین زمینه نقش رهبران فکری و گفتمان‌ساز مهم می‌شود و آنان هستند که از ذخایر نشانه معناشناختی جامعه بهره می‌گیرند و در مفصل‌بندی گفتمانی و تثبیت زبان نهایی مجموعه‌ای از دال‌ها را در یک گفتمان به صورت شبکه‌ای در می‌آورند و با طرد دیگر معانی احتمالی آن یک گفتمان را تثبیت می‌کنند (Laclau and Muffe, 1985: 138). زمانی که گفتمان‌ها شروع به واگرایی نمایند کنش‌گران به شیوه‌های مختلف دست به کنش می‌زنند (مارش و استوکر، ۲۰۰۸: ۱۳۸۸). مهم‌ترین این واکنش‌ها معناداری از برخی دال‌های اصلی و بازسازی نظم گفتمانی است. به عبارت دیگر یک خرده گفتمان، دال‌های شناور در دسترس را که دچار تزلزل شده‌اند معناداری می‌کند و ضمن تثبیت معنای آن‌ها، گونه‌ای مفصل‌بندی جدید ایجاد می‌کند. در همین منازعه معناست که خرده گفتمان نوظهور بر سر مدیریت جامعه و جذب سوژه‌ها نه تنها با گفتمان‌های دشمن دور، بلکه با خرده گفتمان‌های وابسته به گفتمان مادر یا همان دشمن نزدیک رقابت دارند. با تکیه بر همین چارچوب نظری مدعای این نوشتار آن است که گفتمان سلفی طی چند دهه گذشته از یک سو با گفتمان‌های رقیب منازعه داشته است اما از سوی دیگر به دلیل فقدان پاسخ به نیازهای سوژه‌های جوامع اسلامی، با بحرانی درونی مواجه بوده و ظهور خرده گفتمان سلفی از جمله سلفیه علمی یکی از پاسخ‌ها، به همین بحران‌ها و کوششی برای بازسازی گفتمان سلفی مادر بوده است.

منظومه معنایی گفتمان سلفی علمی

آنچه گفتمان آلبانی را از سایر گفتمان‌های سلفی معاصر متمایز می‌کند فراگیری و یکپارچگی و انسجام ساختار معنایی آن است که وی از طریق فتواها، واکنش‌ها به مخالفانش و بیان دیدگاه‌هایش بدان قوام بخشیده است. آلبانی احیاگری مدنظر خود را راهی برای تغییر واقعیت دردناک و سرشار از شکست مسلمانان می‌داند. در نتیجه وی معتقد است که جوامع منتسب به اسلام بر اساس آموزه‌های اسلامی حرکت نمی‌کنند

(دینی، ۲۰۱۱: ۱۲). گفتمان سلفی آلبانی تلاش کرد با وارد کردن دال‌های جدیدی مانند پاکسازی و تربیت و حدیث صحیح و ارائه تعریف جدید از دال‌های ایمان و حاکمیت، خود را به عنوان گفتمان برتر سلفی در جهان عرب معرفی کند؛ گفتمانی که از نظر او، چالش‌ها و نقاط ضعف گفتمان سلفی وهابی را ندارد؛ به مانند سلفیت وهابی به سیاست آلوده نشده و الگوی مناسبی از سلفی‌گری برای مقابله با اخوان‌المسلمین و صحوه و سلفیت جهادی ارائه می‌دهد. این گفتمان در شرایط بحران جامعه عربی، تلاش کرده است ضمن بازسازی فکر سلفی، با سوژه‌های سرخورده از وهابیت و خاندان سکولار سعودی را جذب کرده و مانع از گرایش سوژه‌ها به گفتمان‌های رقیب سیاست‌گرا مانند اخوان‌المسلمین و سلفیت جهادی و گفتمان لیبرال شود. به همین دلیل نیز گفتمان سلفی، نظم معنایی خود را به گونه‌ای بازسازی کرده است که ساحت سیاست را منوط به بازسازی ساحت اجتماع می‌داند و نه بر عکس. از این‌رو گفتمان سلفی علمی، دال‌های اساسی گفتمان سلفی را مورد خوانشی مجدد قرار داده و به بازسازی منظومه معنایی آن اقدام کرده است.

۱. پاکسازی و تربیت

دال مرکزی گفتمان آلبانی «پاکسازی و تربیت» است. از نظر شیخ آلبانی با «پاکسازی و تربیت» می‌توان جهان را از مفاسدش رهایی بخشید و روح اسلام را به تمامی جوامع مسلمان بازگرداند. مراد از پاکسازی در اینجا تصفیه اسلام از آلودگی‌های بدعت، شرک، تقلید و خرافه است (دینی، ۲۰۱۱: ۱۳). «پاکسازی» به معنای صوفیانه آن که هدفش رهایی از عیوب اخلاقی و فردی است، نیست بلکه پاکسازی دین از بدعت‌ها و انحرافات است که از شریعت صحیح صورت گرفته است. «تربیت» نیز احیای علمی و اعتبار آن به عنوان دعوت و آموزشی برای دانشجویان و طالبان علم و تربیتشان بر اساس این روش است. آلبانی می‌گوید:

«اهل علم باید تربیت نسل جدید مسلمان را در پرتو ثابتات قرآن و سنت در پیش بگیرند. جایز نیست که مردم را بر اساس مفاهیم و اشتباهات به ارث رسیده که برخی از آنان قطعاً و به اتفاق ائمه باطل

است و برخی نیز که وجهی از نظر، اجتهاد و رأی در آن وجود دارد، دعوت کنیم. برخی از این اجتهادها و آراء مخالف سنت است. پس از تصفیه این امور و روشن کردن مسیر درست، می‌توانیم نسل جدیدی را بر اساس این علم صحیح تربیت کنیم. این تربیت جدید است که جامعه اسلامی خالصی را برای ما به ارمغان خواهد آورد و سپس حکومت اسلامی را برای ما برپا می‌دارد و بدون این دو مقدمه یعنی «علم صحیح» و «تربیت صحیح بر مبنای این علم صحیح» بعید است که ستون اسلام استوار گردیده یا حکومت اسلامی تأسیس شود» (آلبانی، ۲۰۰۰: ۳۱-۳۰).

در گفتمان آلبانی ابتدا باید بدعت‌های انباشت‌شده شناسایی شده و سپس اسلام را از لوث وجود آن‌ها پاک کرده سپس مردم را بر اساس این اسلام طاهر و پاک شده هدایت نمود. بدعت در دین نوعی گمراهی است که فرد را به آتش سوق می‌دهد چرا که پیامبر فرموده است: «هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی در آتش است» و نیز در جایی دیگر فرمود: «هر کسی در دین ما چیزی وارد کند که از آن نیست، مردود است» (آلبانی، ۱۴۰۵: ۱۳-۱۲). در گفتمان آلبانی صرف اشاره به توحید و سنت کافی نیست بلکه باید به بیان شرکیات و بدعت‌ها نیز پرداخت (آلبانی، ۱۹۷۹: ۶۳). این گفتمان معتقد است علت عقب‌ماندگی و انحطاط مسلمانان از وجود فرقه‌هایی نشئت می‌گیرد که اهل بدعت و هوی و هوس هستند و همواره تلاش کرده‌اند تا اعتقادات و عبادت‌ها را در اسلام مشوه جلوه دهند. در جایی دیگر آلبانی تصفیه فقه اسلامی از اجتهادات اشتباه مخالف کتاب و سنت، رها کردن عقول از آثار منفی تقلید و تاریکی‌های تعصب و نیز تصفیه کتاب‌های تفسیر، فقه و غیره را از احادیث ضعیف و موضوعه یا اسرائیلیات و منکرات مدنظر قرار می‌دهد. از همین زاویه آلبانی به ضدیت با تأویل و تفسیر می‌پردازد. آلبانی معتقد است که دین اسلام فی‌نفسه کامل است و نیازی به شرح یا تأویل ندارد و تنها کافی است که آن را از آراء و اجتهاداتی که در طول تاریخ بدان اضافه شده است، پاکسازی نماییم تا به این ترتیب امت به عهد و عظمت و عزت پیشین خود بازگردد. از این‌رو گفتمان سلفیه آلبانی معنای مورد نظر گفتمان وهابی از حدیث را طرد می‌کند. گفتمان آلبانی بر

خلاف گفتمان سلفی سنتی وهابی به صحیح بودن تمام سنت صحیح اعتقادی ندارد بلکه باور دارد در سنت مواردی وارد شده که از آن نبوده است. پس باید این سنت تصفیه شود و موارد ضعیف از آن حذف گردد. آلبانی بر خلاف وهابیت با هرگونه فعالیت تشکیلاتی و سیاسی قبل از پاکسازی و تربیت مخالفت بود و ضمن تأکید بر آغاز نظام تربیتی نوین اسلامی از زمان آغاز کودکی برای پیشگیری از تأثیر تربیت غربی کافرانه (آلبانی، ۱۴۲۲: ۴۴-۴۰) می‌گفت: «همان‌گونه که یکی از مبلغان اسلامی گفته است «دولت اسلام را در قلب‌هایتان بر پا دارید، آنگاه اسلام دولت‌ش را در سرزمین‌هایتان بر پا خواهد کرد» بسیاری از مبلغان اشتباه می‌کنند که می‌گویند اکنون زمان پاکسازی و تربیت نیست بلکه زمان تجمع و گردهم‌آیی است. چگونه تجمع محقق می‌شود درحالی‌که هنوز اختلافات در اصول و فروع به قوت خود باقی است» (آلبانی، ۲۰۰۰: ۳۳).

۲. اتباع

در گفتمان سلفی بهترین نمایندگان سلف، همان اهل حدیث هستند که به پیامبر و اصحابش تمسک جسته‌اند. در نتیجه خطوط اساسی سلفیه احیاگر آلبانی از «اهل حدیث» شروع می‌شود که بیانگر اصل، منبع و سرچشمه مسائل اعتقادی و رفتاری هستند. تنها اینان هستند که روش «سلف صالح» از صحابه، تابعان و تابعان را به نیکی عمل کرده‌اند. از این رو «اتباع» یا همان پایبندی به این خط پاک، بیانگر اسلام صحیح است؛ اسلامی که تقلید و مذهب‌گرایی در آن جایی ندارد (آلبانی، ۱۹۹۲: ۴۵-۴۳). در گفتمان آلبانی، سلفیه منسوب به یک شخص یا برخی اشخاص نیست بلکه منسوب به سلف صالحی است که ویژگی آن‌ها عصمت است و محال است که بر گمراهی اجماع کنند. از این رو باید از آنان تبعیت کرد و این برخلاف خلف است. در شرع از خلف هیچ ستایشی نشده بلکه در مذمت آنان احادیث زیادی وارد شده است: «ثم یأتی من بعدهم أقوام یشهدون و لا یستشهدون» (آلبانی، ۲۰۱۳: ۱۷-۱۵). آلبانی خواهان کنار گذاشتن مذاهب فقهی چهارگانه اهل سنت و تقلید از آنان بود. مخالفت او با مذهب‌گرایی تنها به مذاهب فقهی خلاصه نمی‌شد بلکه حتی انتساب به وهابیت را نیز رد می‌کرد. آلبانی

اتباع را پایبندی به دلیل از کتاب و سنت می دانست (عبدالهلالی، ۱۹۹۹: ۳۹). هرچند که آلبانی مذهب گرایی را نفی می کند اما خود بار دیگر در دام تحزب فرو می غلند. آلبانی با انتقاد از کسانی که انتساب به سلفی را رد کرده و آن را بی بنیان می دانند، می گوید: «برخی ها مدعی اند که مسلمان نباید بگوید من سلفی هستم» گویی اینان می گویند: «برای مسلمان جایز نیست بگوید که من تابع سلف صالح در عقیده، عبادت و رفتار هستم. بدون تردید این انکار الزاماً به معنای براءت از اسلام صحیحی است که سلف صالح بر آن بوده اند. از این رو جایز نیست که مسلمان از انتساب به سلف صالح اعلام براءت کند». آلبانی حتی فراتر از این می رود و انتساب به سلفیه را جزئی از عصمت از اشتباه می داند چرا که این نوعی انتساب به فرقه نجات یافته است: «کسی که به سلف صالح منتسب می شود، در واقع به طور کلی به عصمت منتسب می شود و پیامبر (ﷺ) نشانه فرقه ناجیه را تمسک به آنچه ایشان آورده و آنچه اصحابش بر آن تأسی جستند، می داند. دعوت سلفی به امت وحدت می بخشد اما سایر دعوت ها به تفرقه و چنددستگی فرا می خوانند» (آلبانی، ۱۹۹۹: ۷۰). کتاب پر انتشار بین سلفی ها از شیخ آلبانی با عنوان «ویژگی نماز پیامبر (ﷺ)» متن مهم سلفی در رد تقلید مذهبی است، به گونه ای که وی در این کتاب اقوال ائمه چهارگانه اهل سنت در نهی از تقلید را آورده و به شبهه هایی که مقلدان ترویج می دهند، پاسخ می دهد (آلبانی، ۱۹۹۲: ۵۳-۲۳). آلبانی در این کتاب هرگونه وابستگی به مذهب مشخص را رد کرده اما در عین حال تقلید فرد عامی را جایز می شمارد. آلبانی به صراحت دعوت می کند که کتاب های مذاهب بیرون ریخته شود.

۳. ترک سیاست

گفتمان سلفی علمی را با دال ترک سیاست و تحریم ابزارهای دموکراسی از قبیل انتخابات می شناسند. تأکید فراوان آلبانی بر پرهیز از آلوده شدن به سیاست معاصر، این مفهوم را به یکی از مفاهیم بنیادی در منظومه معنایی سلفی علمی تبدیل کرد. آلبانی سیاست را جزئی از دین می دانست که به لحاظ شرعی به آن امر شده است اما وی در فتوای متعدد خود تأکید می کرد که «ترک سیاست عین سیاست است» (بن حسن، ۲۰۰۴: ۳۳). شعار آلبانی که بین پیروانش معروف شد آن بود که «ترک سیاست عین

سیاست است» اهتمام اصلی آلبانی نه سیاست بلکه تصفیه و تربیت بود چرا که به باور وی سیاست از طریق اسلامی شدن جامعه محقق می‌شود. تمرکز آلبانی به جای سیاست بر عقیده بود به همین خاطر بود که وی در فتوای مشهوری از فلسطینی‌ها خواست که سرزمین‌های اشغالی در غزه و کرانه باختری را ترک کنند چرا که قادر نیستند اعمال دینی خود را به نحو درستی انجام دهند. به نظر آلبانی در انتخاب بین دفاع از عقیده و دفاع از سرزمین، این عقیده است که اولویت دارد (طیبی، ۱۹۹۴: ۸۷). در گفتمان سلفی آلبانی سیاست و فعالیت سیاسی در مفهوم مدرن آن نوعی بدعت و مبتنی بر اصول کافرانه است. شیخ ابراهیم شقره می‌گوید: «سیاست با نظریه‌های مختلف و نظام‌های گوناگونش خارج از ضوابط شرعی است و برای عقیده جایگاهی قائل نیست و در حقیقت سیاست به دینی تبدیل شده که فرهنگ خاص خود را دارد و به دروغ‌گویی و تزویر آغشته شده است» (شقره، ۲۰۰۰: ۱۷۳). از این رو در گفتمان سلفی آلبانی، سیاست موجود مذموم شمرده می‌شود و پرداختن به سیاست جایز نیست (شقره، ۲۰۰۰: ۱۷۹). شیخ شقره نتیجه می‌گیرد که فعالیت سیاسی جزئی از نظام اسلامی است و این برای زمانی است که اسلام دولتی داشته باشد اما در دوره ما پرداختن به سیاست از جمله محظورات شرعی است چرا که با اصول عقیده و فروع شریعت برخورد پیدا می‌کند (شقره، ۲۰۰۰: ۱۸۵). از این منظر نیز گفتمان علمی آلبانی با گفتمان وهابی و دیگر خرده‌گفتمان‌های سلفی به‌ویژه خرده‌گفتمان صحوه غیرت‌سازی می‌کند و این گفتمان‌ها را از منظر توجه به ساحت سیاست نهادین و رسمی مورد انتقاد قرار می‌دهد. آلبانی به گروه‌ها و فرقه‌های اسلامی معاصر به دلیل اشتغالشان به مسائل سیاسی و اقتصادی حمله کرده و با تأکید بر همین مقوله به ساختارشکنی از گفتمان‌های رقیب می‌پرداخت.

دموکراسی و همه‌سازوکارهای آن از جمله انتخابات در این گفتمان سیستمی کافرانه و وارداتی و متضاد با شریعت اسلامی است. آلبانی تأکید می‌کند: «دموکراسی حکومت مردم بر خود است و مردم منبع قوا هستند. این مسئله با شریعت اسلامی و اعتقاد اسلامی تعارض دارد چرا که دموکراسی نظامی طاغوتی است و به ما امر شده است که طاغوت را تکفیر کنیم» (آلبانی و وادعی، ۱۹۹۲: ۱۷). از نظر او سیاست مانع تصفیه و تربیت کامل سوژه‌ها پنداشته می‌شود. در کتاب «مدارک النظر فی السیاسة» که

یکی از مهم‌ترین کتاب‌های سلفی‌های تبلیغی متعلق به عبدالمالک جزائری است و شیخ آلبانی بر آن مقدمه نوشته است، تأکید می‌کند که «روند انتخاباتی نظامی کافرانه است چرا که بین مسلمان و کافر تساوی برقرار می‌کند... و بزرگ‌تر از آن بین اسلام و کفر تساوی برقرار می‌کند» (جزائری، ۱۹۹۷: ۲۴۰-۲۱۴). از این رو گفتمان سلفی آلبانی خود را از اشتغال به سیاست معاصر دور کرده و نگرشی سیاسی در پیش می‌گیرد که بیشتر به فرهنگ دینی و اعتقادی اهتمام می‌ورزد. این گفتمان بیش از آنکه به حکومت چشم دوخته باشد به جامعه و افراد جامعه نظر دارد. اصلاح جامعه ضرورتاً منجر به برپایی دولت دینی خواهد شد.

۴. حدیث صحیح

آلبانی اهتمام زیادی به حدیث داشت و تأثیر زیادی بر توجه گفتمان‌های سلفی به حدیث گذاشت. اقدامی که نوعی بازسازی گفتمان سلفی و عبور از گفتمان وهابیت رسمی نیز بوده است. آلبانی در مسائل مربوط به عقیده اصرار زیادی به تحقیق در صحت احادیث منسوب به سلف داشت. از این رو در چندین مورد ابن تیمیه، ابن قیم و محمد بن عبدالوهاب را در استناد به احادیث ضعیف نقد کرد. او به شدت ابن تیمیه و ابن قیم را به خاطر تفسیر «استواء علی العرش» به اینکه خداوند - نعوذ بالله - بر عرش ایستاده است، انتقاد می‌کند. این چیزی است که منتقدان، سلفی‌ها را در باب عقیده متهم می‌کنند که به مجسمه و مشبهه نزدیک هستند. یا در احادیث مربوط به برتری امام علی (علیه السلام) از جمله حدیث «من کنت مولاه فعلی مولاه» که ابن تیمیه مدعی شده بود که «در صحاح نیست اما چیزی است که علماء روایت کرده‌اند و هنوز صحت آن محل نزاع است» آلبانی به شدت ایستاده و می‌گوید: «جای شگفتی است که شیخ الاسلام ابن تیمیه به خود جرأت می‌دهد که این حدیث را انکار و تکذیب کند. من جز عجله و مبالغه در انکار شیعه علتی برای تکذیب حدیث از جانب وی نمی‌بینم» (آلبانی، ۱۹۹۵ الف: ۲۶۳). آلبانی بیش از ۲۱۶ تألیف از جمله کتاب و رساله دارد که عمده آن‌ها نیز به علم حدیث مرتبط است و ضعف و قوت احادیث را بررسی می‌کند. در گفتمان آلبانی یکی از دلایل بدعت آوردن در دین، احادیث ضعیف به حساب می‌آید.

در عربستان حدیث به عنوان یک علم مستقل تا زمان ظهور آلبانی زیاد پا نگرفته بود. بسیاری از دانشجویان در مراحل مختلف علم حدیث نزد او علم حدیث را فراگرفتند و همین باعث شکل‌گیری جریان حدیث‌گرا در عربستان شد (سالم و بسیونی، ۲۰۱۵: ۲۷۹). در مجموع، سلفی‌گری در نسخه وهابی آن اهتمام چندانی به سنت و علوم آن نداشته است و تنها برخی تلاش‌های فردی در این عرصه صورت گرفته است اما آلبانی نقش برجسته‌ای در انتشار و گسترش توجه به حدیث و علوم حدیث داشت. پس از آلبانی بسیاری از دانشگاه‌های سعودی بخش‌های ویژه حدیث‌شناسی را راه انداختند و مطالعات حدیث و بررسی کتب قدیمی مورد توجه قرار گرفت (سالم و بسیونی، ۲۰۱۵: ۲۸۶-۲۸۵).

۵. ایمان

یکی از مسائلی که باعث اختلاف بین آلبانی و دیگر سلفی‌ها شد، تعریفی بود که از دال ایمان ارائه می‌دادند. مخالفان آلبانی وی را متهم به ارجاء می‌کردند. خلاصه سخن مرجئه آن است که هر کسی گناه عملی یا زبانی مرتکب شود تا زمانی که به کفر باور نداشته باشد، نمی‌توان او را تکفیر کرد. آلبانی معتقد بود هر کسی به صرف اینکه به غیر ما أنزل الله حکومت می‌کند، نمی‌شود تکفیرش کرد بلکه باید به کفر بودن عملش هم اعتقاد داشته باشد. آلبانی در این مسئله با دو گروه خصومت پیدا می‌کند: «نخست گفتمان‌های سلفی جهادی و سلفی تکفیری که معتقدند حاکمیت از مسائل اعتقادی مهم است و ترک آن نوعی کفر است. دوم گروهی که معتقدند مسئله ارتباط عمل با ایمان از اصول گفتمان سلفی است نه از فروع آن. این مسئله به دلیل انتشار ملاحظاتی از سوی سفر حوالی بر آلبانی و گفتمان وی در تز دکترایش جنجال به پا کرد» (دینی، ۲۰۱۱: ۱۱۶).

محور خصومت بین گفتمان‌های سلفی معاصر مبتنی بر مفهوم «حاکمیت» است به گونه‌ای که شعار «لا حکم إلا لله» از زمانی که خوارج در برابر امام علی (علیه السلام) مطرح کردند تا به امروز منشأ فتنه و دروازه آشوب و عامل اختلاف و چند دستگی بین مسلمانان بوده است (ابوالمجد، ۱۹۸۸: ۱۳۶). آلبانی می‌گوید: «ما حقیقتی می‌دانیم که بسیاری از این غلاتی که حاکمان را تکفیر می‌کنند، از آن غافل هستند. تکفیر حاکمان

جز فتنه چیزی به همراه ندارد. واقعیت آن است که در سال‌های اخیر از فتنه حرم مکی گرفته تا فتنه مصر و قتل سادات و خون تعداد زیادی از مسلمانان بی‌گناه به دلیل این فتنه در سوریه و مصر و الجزائر ریخته شده است. همه این‌ها به دلیل مخالفت با متون کتاب و سنت بوده است. اگر بخواهیم حکومت خدا را روی زمین اقامه کنیم آیا باید با حاکمان مبارزه کنیم درحالی‌که ما قادر نیستیم با آنان مبارزه کنیم؟ یا اینکه باید با آنچه پیامبر (ﷺ) از آن شروع کرد، شروع کنیم... ما چاره‌ای نداریم جز اینکه با آموزش اسلام به مردم شروع کنیم. همان‌گونه که پیامبر (ﷺ) نیز با این کار شروع کرد. اما ما نباید تنها به آموزش مردم اکتفا کنیم چرا که چیزهایی وارد اسلام شده است که متعلق به اسلام نیست بلکه با هدف نابودی اسلام وارد این دین شده است (آلبانی، ۲۰۰۶: ۳۲-۳۱). از این رو می‌توان گفت این گفتمان مبارزه با حاکمان ستم‌گر را بی‌فایده می‌داند بلکه به جای آن تأکید می‌کند که می‌بایست توده‌ها را بر اساس کتاب و سنت تربیت کرد. بر این اساس، گفتمان آلبانی مفهوم «دعوت» را در رأس اولویت‌های خود قرار داده و بر دعوت مردم به کتاب و سنت پافشاری می‌ورزد. دعوت نیز مبتنی بر سخنرانی‌ها، مناظرات، درس‌ها و همایش‌هاست. در گفتمان سلفی آلبانی هرچند بر ذلت امت اسلامی و به بندگی گرفته شدن آن از سوی بیگانگان تأکید می‌شود اما واقعیت‌های داخلی را عامل انحطاط و عقب‌ماندگی مسلمانان می‌داند. «علت بقای ذلت و بندگی مسلمانان از سوی کافران و یهود اهمال مسلمانان در عمل به احکام دین - کتاب و سنت - است» (آلبانی، ۲۰۰۱: ۴۳-۴۰).

حاصل چنین بازنگری در بنیادهای فکر دینی سلفی از منظر امر سیاسی، تجویز رویکردی است که می‌توان آن را سیاست اجتماعی نامید. سیاست اجتماعی سلفیه علمی، تغییر و اصلاح حوزه سیاست نهادین را مستلزم تغییر در ریزبندنه‌ها یجامعه و اصلاح فکر توده‌های مردم می‌داند و از نظر او موفقیت در اصلاح اجتماعی در نهایت به اصلاح در ساخت سیاست نهادین و رسمی نیز منجر می‌شود.

منازعه معنایی سلفی علمی و اعتبارزدايي از خرده‌گفتمان‌های سلفی رقیب

گفتمان سلفی علمی خود را گفتمانی احیاگر می‌داند که تلاش کرد تا خود را

خالص‌ترین و ناب‌ترین الگوی سلفی جلوه داده و با مستند کردن خود به احادیث صحیح، اعتبار لازم را برای هژمون شدن در فضای دینی عربی کسب کند. این گفتمان به اعتبارزدایی از گفتمان‌های رقیب روی آورد و تقریباً تمامی گفتمان‌های موجود اعم از سلفی و غیرسلفی را مورد انتقاد قرار داد.

آلبانی معتقد بود که هیچ‌یک از جنبش‌های اسلامی و مبلغان آن فهم درستی از اسلام ندارند. وی استدلال می‌کرد که «برخی از مبلغان، سلفی‌ها را کسانی می‌دانند که عمرشان را در پرداختن به توحید به هدر می‌دهند. سبحان الله چقدر جاهلند کسانی که چنین می‌گویند، چرا که نمی‌دانند پیامبران و رسولان دعوت کرده‌اند که «أن اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت». نوح پیامبر ۹۵۰ سال قانون وضع نمی‌کرد، به اصلاح نمی‌پرداخت و سیاست بر پا نمی‌داشت بلکه تنها می‌گفت: ای قوم خدا را عبادت کنید و از طاغوت پرهیزید» (آلبانی، ۲۰۱۴). آلبانی تأکید می‌کند که دعوت به توحید قبل از هرگونه قانون‌گذاری و قبل از هرگونه اقدام به اصلاح و یا پرداختن به سیاست است. از همین رو وی سلفی‌ها را تشویق می‌کند که صبر پیشه ساخته و سریع به دنبال نتایج و درگیری نباشند.

گفتمان آلبانی هرچند بار دیگر توجه سلفی‌ها را به حدیث معطوف ساخت اما شکافی در منظومه معنایی گفتمان سلفی ایجاد کرد؛ چرا که آلبانی تکانه‌هایی را در سطح فقهی و حدیثی وارد ساخت. اجتهادهای غیرمقیمد و بی‌حدومرز آلبانی با چارچوب محافظه‌کار سلفی وهابی تصادم پیدا کرد. آلبانی هیچ ابایی از تضعیف صحیحین که نزد سلفی‌ها قداست زیادی دارد، نداشت. آلبانی احادیثی را تضعیف کرد که سابقه نداشت بزرگان سلفی آن‌ها را رد کرده باشند. بزرگ‌ترین تلاش حدیثی وی مبتنی بر تهذیب و تکمیل کتاب‌های حدیثی و تدوین کتاب‌هایی با موضوعات خاص بود (سالم و بسیونی، ۲۰۱۵: ۲۷۰).

آلبانی حتی به خود جرأت می‌داد که نقدهایی را نیز به محمد بن عبدالوهاب درباره بنیان‌های معرفتی و شرعی وی وارد کند. تفاوت سلفیه تجدیدنظرطلب آلبانی با سلفیه وهابی آن بود که این گفتمان از اینکه بجز کتاب و سنت، خود را به کس یا چیز دیگری منتسب کند، ابا داشت هرچند این فرد، کسی به نام محمد بن عبدالوهاب باشد. آلبانی محمد بن عبدالوهاب را متهم می‌کرد که شناختی نسبت به حدیث صحیح و ضعیف ندارد

و فاقد آثار فقهی است که نشان دهد مانند ابن تیمیه روش سلفی را در تفقه دین انتخاب کرده است. آلبانی معتقد بود نباید درباره محمد بن عبدالوهاب غلو کرد. او جایگاه و ارزش ابن تیمیه را بالاتر از محمد بن عبدالوهاب می‌دانست (آلبانی، پایگاه اسلام وب).

آلبانی تزهایی را بیان می‌داشت که با تزه‌های سلفی نجدی و وهابی تعارض داشت. او وهابی‌ها را حنبلی و نه سلفی می‌دانست. وی زمانی که از عربستان رفت و در اردن مستقر شد، این رویه خود را ادامه داد و دیدگاه‌هایی را عرضه داشت که با گفتمان سلفی وهابی به‌ویژه در مسائل فقهی تعارض داشت (شیبانی، ۱۹۸۷: ۱۱۶). به عنوان نمونه آلبانی در مسائل پوشش زنان (جلباب) یا حکم تارک الصلاة، یا برخی مسائل زینت و روزه با وهابیت حنبلی تعارض پیدا کرد. آلبانی حتی در مسائل اعتقادی نیز در برخی موارد از گفتمان وهابی فاصله گرفت مانند مسائل ایمان و کفر و اثبات برخی از صفات الهی. آلبانی در مسائل سیاسی نیز بعضاً با مشایخ وهابی سعودی اختلاف نظر پیدا می‌کرد مانند فتوای کمک طلبیدن از ارتش آمریکا و متحدان غربی آن در عقب راندن صدام حسین از کویت که شیخ آلبانی با این فتوا مخالفت کرده و به حکومت و علمای آن حمله‌ور شد (سالم و بسیونی، ۲۰۱۵: ۳۴۰).

آلبانی به دال‌های محوری گفتمان صحوه نیز یورش می‌برد. از جمله مهم‌ترین این دال‌ها فقه واقع بود. اگر گفتمان صحوه به فقه واقع اهمیت زیادی می‌دهد اما در گفتمان سلفی علمی، فقه واقع دروازه فروغلتیدن در سیاست ظالمانه معاصر و فریفته‌شدن به سخنان کذب آلود سیاستمداران تلقی می‌شود (آلبانی، ۲۰۱۳: ۶۵). زمانی که از آلبانی درباره یکی از این رهبران و فقهای گفتمان صحوه پرسیده شد وی گفت که او به لحاظ عقیده سلفی و به لحاظ روش اخوانی است. پس از آن، این نام‌گذاری به عنوان سلاخی در دست سلفی‌ها در برابر رقبایشان از سلفی‌های جنبشی درآمد. آلبانی از جمله اولین شیوخ سلفی بود که به صراحت سید قطب را مورد انتقاد قرار داد. آلبانی معتقد بود که در کتاب «فی ظلال القرآن» اشاراتی از عقیده انحرافی «وحدت وجود» ابن عربی را یافته است. آلبانی در اواخر شدیدترین انتقادها را متوجه سید قطب کرد. پیروان آلبانی نیز با بدترین اوصاف سید قطب را توصیف کرده و او را اهل بدعت، ضلالت، کفر، ارتداد می‌دانستند (بتیری، ۲۰۰۵). آلبانی حسن‌البناء را نیز به دلیل داشتن «مواضع ضد

سنت» محکوم می‌کرد و اصرار داشت که بگوید بنا هیچ‌گاه یک «عالم دینی» نبوده است. آلبانی اخوان‌المسلمین (و امتداد آن یعنی صحوه) را سرزنش می‌کرد که بیش از اهتمام به علم دینی یا همان عقیده به سیاست اهتمام دارند. آلبانی اصرار داشت که نشان دهد اولویت‌هایش در نقطه مقابل اخوان‌المسلمین قرار دارد. او همچنین اخوان‌المسلمین را به تصوف و توسل متهم می‌کرد (آلبانی، ۱۹۸۳: ۱۴۸). همچنین به مفهوم بیعت که نزد گروه‌های اسلامی و اخوان وجود دارد، می‌تازد و آن را نوعی بدعت می‌نامد. آلبانی می‌گفت: «اینکه هر گروهی امیری برای خود اتخاذ کند، جایز نیست چرا که این باعث افزایش تفرقه و دوری و اختلاف می‌شود. امیری که اطاعت از آن در احادیث واجب شده است، کسی است که امام یا همان خلیفه مسلمین نصبش کرده باشد» (محمد بن سرور شعبان، ۲۰۰۷: ۶۸۹-۶۸۸). بیعت نزد طرفداران سلفیه آلبانی مورد انتقاد جدی بود و آن را نوعی بدعت می‌دانستند. شیخ علی حلبی رساله‌ای را پیرامون بیعت نوشت و در آن به این نتیجه رسید که بیعت نوعی بدعت است که به یکی از عوامل اصلی تفرقه و اختلاف بین امت تبدیل شده است. در همین رساله حلبی به اخوان‌المسلمین شدیداً حمله می‌کند (حلبی، ۱۹۸۵).

شاگردان آلبانی هم در عربستان سعودی، هم‌زمان موضعی انتقادی هم نسبت به نهاد دینی سنی وهابی از یک‌سو و الصحوه از سوی دیگر اتخاذ می‌کردند. در یکی از مجلات این گروه در سال ۱۹۸۲ شیخ یمنی مقبل وادعی که بعدها به یکی از رهبران گفتمان مدخلی (یا جامی) تبدیل شد، مطلبی با عنوان «خروج از فتنه» ضد اخوانی‌ها نوشت. وادعی که از شاگردان آلبانی بود نقد بسیار تندی را علیه اخوانی‌ها مطرح کرد. وی اخوان را به دلیل عدم حضور علماء در بین آنان سرزنش کرد و مدعی شد رهبران اخوان اعضای خود را از حضور در جلسات علما منع می‌کنند چرا که اخوان علما را دوست ندارد. سپس آنان را متهم کرد که در معارف دینی تخصصی ندارند و کرسی‌های قدرت را بر سنت ترجیح داده‌اند (وادعی، ۲۰۰۲: ۱۰۰-۹۹).

این گفتمان علاوه بر صحوه و اخوان‌المسلمین، با گفتمان‌های سلفی جهادی و تکفیری نیز غیرت‌سازی می‌کند و معتقد است آن‌ها به سیاست و جهاد منحرف شده و از تصفیه و تربیت غافل شده‌اند (آلبانی، ۲۰۱۳: ۷۱). آلبانی آنان را متهم می‌کند که

به‌رغم فریادهایشان که حکومت اسلامی می‌خواهند اما به این بهانه پوچ، خون بیگناهان زیادی را به زمین ریخته و نتیجه‌ای را به ارمغان نیاورده‌اند. به نظر آلبانی این گفتمان‌ها عقاید مخالف کتاب و سنت و اعمال منافی کتاب و سنت فراوانی دارند (آلبانی، ۱۹۹۷: ۴۳). همچنین آلبانی چندین کتاب و رساله در نقد رفتارهای صوفیان نوشته و تعدادی کتاب در باب مسائل توسل و استغاثه و قبور و بدعت‌های نماز و جنائز و مراسم فرح و شادی و غیره نوشته است.

گفتمان احیاگرای آلبانی با مخالفت‌های شدیدی از سوی گفتمان‌های رقیب سلفی و غیرسلفی روبه‌رو شد. گروه‌های سلفی جهادی ده‌ها کتاب و رساله در پاسخ به گفتمان آلبانی منتشر کردند. همچنین اخوان‌المسلمین و حزب تحریر نیز واکنش‌های تندی نشان دادند. گفتمان‌های رقیب، او را صرفاً یک محدث دانستند نه فقیهی که شایستگی اظهار نظر در مسائل جدید و موضوعات نوظهور را داشته باشد. عده‌ای نیز صفت محدث را از وی سلب کردند (ابورمان، ۲۰۱۱: ۱۰۳).

مهم‌ترین نقدی که علیه آلبانی و گفتمان وی صادر شده است کتاب شیخ عبدالقادر احمد با عنوان «به سمت نسل مسلمان» است که وی در آن این پرسش را مطرح می‌کند که «چرا برخی افراد نماد سلف صالح را موهای بلند و فرق شده، لباس‌های کوتاه، عمامه‌های پیچیده‌شده، تجرد و ریش دراز و سرمه کشیدن مردان معرفی می‌کنند؟ چرا ویژگی‌های بدات را برای سلف صالح به تصویر می‌کشند... برخی فکر می‌کنند که سلفیه صالح یعنی التزام به نظر واحد در مسائل فقهی و اجتهادات دیگر را به دور انداختن» (احمد، ۱۹۸۵: ۱۰۵).

از جمله مهم‌ترین مبلغان معاصر که گفتمان آلبانی را نقد کرده است، شیخ محمد غزالی است که آن را گفتمانی سطحی می‌داند که صرفاً به مسائل اختلافی و غیراساسی می‌پردازد. منتقدان همچنین آلبانی را متهم می‌کنند که اجماع را شکسته و به ائمه نخست حدیث بی‌احترامی کرده و آنچه را که آنان تصحیح یا تقویت کرده، تضعیف نموده و حکم به بطلانش داده است. مهم‌ترین نقدی که گفتمان صحوه به سلفیه آلبانی وارد می‌کند، آن است که فریفتن مردم با مفاهیم سلفی غیراجماعی باعث تفرقه و اختلاف بین مسلمانان و باعث شکل‌گیری بسیاری از فرقه‌های کلامی و فقهی مانند

صدر اسلام می‌شود.

گفتمان سلفی جهادی نیز از برجسته‌ترین مخالفان گفتمان سلفی آلبانی است. آنان معتقدند که گفتمان سلفی آلبانی با سردادن شعار ترک سیاست و عدم تکفیر کسانی که بر مبنای غیر شریعت اسلامی حکومت می‌کنند، در واقع نظام‌های حاکم را قانونی و مشروع جلوه می‌دهند. آنان به فتوای آلبانی در مسئله تحولات الجزایر، به‌علاوه آرای انتقادی وی نسبت به جنبش‌های جهادی که نظام‌های حاکم را تکفیر می‌کنند، استناد می‌کنند. زمانی که از شیخ محمد بن ابراهیم آل شیخ مفتی کل سعودی پرسیده شد که ناصرالدین آلبانی به بی‌حجابی اعتقاد دارد، پاسخ داد: «می‌خواهد زکام را علاج کند، جذام درست می‌کند» (بن ابراهیم، ۱۳۹۹، ج ۱۰: ۴۸).

سیاست تمایز و هویت‌سازی

گفتمان سلفی علمی افزون بر بازسازی معنایی فکر سلفی، در ساحت زیست روزمره نیز به سوژه‌هایش هویت مخصوصی را در عرصه دینی می‌بخشد. این گفتمان برای آنکه خود را از سایر گفتمان‌های سلفی و غیرسلفی متمایز کند برخی اعمال خاص را به سوژه‌ها تحمیل می‌کند که آنان را در عرصه اجتماعی متمایز می‌نماید. عمده این رفتارها مبتنی بر بستری است که برخی فتوای آلبانی به وجود آورده است، فتوایی که با اجماع حنبلی وهابی اختلاف دارد. در موضوع نماز، به عنوان نمونه اهل حدیث جدید تمایل به پیروی از نصایح آلبانی دارند که در کتابچه کوچکی با عنوان «ویژگی نماز پیامبر» جمع شده است. در این کتاب به عنوان نمونه آلبانی «وبرکاته» را به «السلام علیکم ورحمة الله» اضافه می‌کند. همچنین بستن دست‌ها در نماز به‌گونه‌ای که با رویکردهای فقه حنبلی وهابی تفاوت دارد و یا با کفش نماز خواندن در مسجد را تجویز می‌کند. این اختلافات شعاعی منجر به بروز درگیری‌ها و بحث‌هایی بین پیروان آلبانی با دیگران در مساجد مدینه منوره و شهرهای دیگر گردید. با گسترش ریشه‌ها حرکت این جنبش، شاگردان آلبانی در مساجد تحت سیطره خودشان تجمع کردند. این مساجد فاقد محراب هستند (که عمدتاً به سمت مکه مکرمه هستند) چرا که اهل حدیث محراب را نوعی بدعت می‌دانند. اما در خصوص نحوه لباس پوشیدن، پیروان

سلفیه علمی مانند اهل صحوه اما با سخت‌گیری بیشتر بر منع پوشیدن عقال تأکید می‌کنند. همچنین معتقدند که لباس باید بالاتر از نیمه ساق پا باشد (چهار انگشت زیر زانو). آن‌ها به این ترتیب خود را از صحوه متمایز می‌کنند. یکی از اعضای سابق گروه با تمسخر در این باره می‌گوید: «هدف آن است که وانمود کنند که فرد خود را در برابر خداوند متواضع نشان دهند و تمسخر دیگران برایشان اهمیتی ندارد» و در نهایت اینکه برخی از پیروان سلفیه علمی تمایل دارند به تقلید از پیامبر موهایشان را بلند نگه دارند. این نیز باعث جدایی آنان از اهل صحوه می‌شود چرا که صحوه‌ای‌ها معتقدند مصلحت دعوت ایجاب می‌کند که فرد زیبارو باشد. از دهه ۱۹۷۰ به بعد اهل حدیث جدید رشد سریعی را در عربستان تجربه کردند (لاکروا، ۲۰۱۴: ۱۰۹-۱۰۸). اهل حدیث خود را مصداق واقعی فرقه ناجیه می‌دانست و سایر گروه‌ها و جنبش‌ها را در قلمرو فرق هلاک‌شونده می‌گنجانند.

آلبانی برخی سیاست‌زبانی و کنش‌گفتار خاصی را نیز مطرح کرد که در میان سلفی‌ها رواج یافت و از آن‌ها برای معنازدایی از جایگاه رهبران فکری خرده‌گفتمان‌های رقیب استفاده زیادی شد. آلبانی برای حمله به منتقدان و مخالفان فکری خود از این واژه‌ها و عبارات‌ها استفاده می‌کرد. او درباره قرضای گفته بود: «اصرف نظرک عنہ و اقرضه قرضاً» (دیدگانت را از او برگردان و به او قرض بده). آلبانی با حمله به شخصیت علمی قرضای، او را به لحاظ علمی فردی می‌دانست که فاقد احاطه لازم بر منابع اسلام است. وی همواره تأکید می‌کرد «فاقد الشیء نمی‌تواند چیزی را به دیگری بدهد» او توصیه می‌کرد که نزد قرضای نروید چون او چیزی برای عرضه ندارد بلکه حتی بهتر است اندکی از دانش فقهی و حدیثی به او وام داده شود. حاصل این نمادسازی و کنش‌گفتار تولید سیاست تمایز و برجسته‌سازی نظم معنایی متفاوت از خرده‌گفتمان‌های رقیب بوده است. در واقع آلبانی با وضع مجموعه‌ای از نشانه‌ها، افزون بر میدان فکری، زندگی روزمره مردم را نیز از گفتمان خود متأثر و زمینه انتشار خرده‌گفتمان سلفی را در مقابل هویت خرده‌گفتمان‌های رقیب بیشتر کرد.

انتشار و گسترش

گفتمان سلفی علمی توانسته در بسیاری از کشورهای عربی و غیرعربی نظام معنایی خود را در بین گفتمان‌های سلفی هژمون سازد. این گفتمان در بسیاری از کشورها از جمله فرانسه، یمن، مصر در میان سلفی‌ها غالب است این جریان همچنین در کشورهای دیگری مانند عربستان، اردن، کویت و الجزایر و کشورهای مغرب عربی حضور چشمگیری دارد. آلبانی به مثابه رهبر این گفتمان قبله طالبان علم سلفی بود و دانشجویان زیادی از کشورهای مختلف به درس او می‌شتافتند و مرید او شده و به او افتخار می‌کردند و نه فقط حدیث بلکه فتوای فقهی نیز از او طلب می‌کردند. اینان در کشورهای خود اقدام به گسترش تفکرات آلبانی کردند. در عراق شیخ حمدی عبدالمجید سلفی میراث شیخ خود را گسترش داد و در کویت شیخ عبدالرحمن عبدالخالق پدر بنیان‌گذار سلفی کویتی بود. در یمن شیخ مقبل بن هادی وادعی و در مصر ابواسحاق حوینی و در لبنان شیخ سالم شهاب و در اردن شیخ محمد ابراهیم شقره ظهور کردند (ابورمان، ۲۰۱۳: ۱۱۵۸).

این گفتمان در مصر نیز در قالب مکتب اسکندریه حضور چشمگیری دارد و افرادی مانند شیخ محمد بن اسماعیل مقدم، شیخ یاسر برهامی، شیخ احمد فرید و برخی از مبلغان سلفی مانند شیخ ابی اسحاق حوینی و شیخ محمد حسان و شیخ محمد حسین یعقوب از رهبران این گفتمان در مصر و از شاگردان آلبانی به شمار می‌روند. این گفتمان در وضعیت کنونی مصر بیشترین ظهور و بروز را دارد. پس از انقلاب ۲۰۱۱ بسیاری از کنفرانس‌ها و اظهارات و کتاب‌ها و تحقیقات از سوی اعضای این گفتمان منتشر شده است (نسیره، ۲۰۱۳: ۱۰۰۴). سلفی‌های علمی مصر هیچ‌گاه از فساد و تقلب در انتخابات و سرکوب و ظلم سخن به میان نمی‌آوردند و در مسائل ملی بزرگ مانند مسئله فلسطین و غیره سکوت اختیار می‌کردند. همین سیاست پرهیزی نیز مطابق میل سیاست رسمی بوده و به انتشار بیشتر این خرده‌گفتمان کمک کرده است. آن‌ها نخستین هدف خود را «پاکسازی و تربیت» قرار داده بودند و در شهرها و روستاها به حضوری نیرومند دست یافتند و صدها مسجد به پایگاه‌هایی برای آن‌ها تبدیل شد تا دعوت‌شان را برای بازگشت به اصول و تغییر شکل جامعه اسلامی تبلیغ نمایند. در

نتیجه به یکی از بزرگ‌ترین نیروها در مصر تبدیل شدند که صدها هزار نفر از آن تبعیت می‌کند به‌گونه‌ای که به مرور از بسیاری از احزاب سنتی و حزب ملی حاکم و حتی از اخوان‌المسلمین بزرگ‌تر شدند. بذر اولیه این جریان در دانشکده‌های دانشگاه اسکندریه پاشیده شد و این شهر بزرگ‌ترین محل تجمع سلفی‌ها تا به امروز بوده است (منیب، ۲۰۰۹: ۷۸-۷۴). این جریان در فضای کنونی مصر چه از طریق کانال‌های ماهواره‌ای و چه از طریق کنفرانس‌ها و اظهارنظرها و یا از طریق کتاب‌ها و پژوهش‌ها و سخنرانی‌ها و دوره‌های آموزشی که برگزار می‌کند، بیشترین بروز و ظهور را دارد.

گفتمان سلفی علمی در اردن نیز به دلیل استقرار شیخ ناصرالدین آل‌بانی در این کشور پس از اخراج از عربستان، حضور و نفوذ چشمگیری دارد. هرچند که این گفتمان از همان آغاز اعلام کرد که به زندگی سیاسی و جزئیات آن توجهی ندارد و مفاهیم و مبانی «تحزب سیاسی» را رد کرده و وظیفه خود را تبعیت از حاکمان می‌دانستند اما در بسیاری از کشورهای عربی از جمله اردن اختلافاتی بین اخوان و سلفی‌های آل‌بانی در تلاش برای جذب طرفداران و کنترل مساجد و ایجاد پایگاه‌های اجتماعی در گرفت. در اردن حکومت که در ابتدا آل‌بانی را از ایراد سخنرانی و تدریس در مساجد منع کرده بود اما از آغاز دهه نود برای شکستن شوکت و عظمت و نفوذ گروه اخوان‌المسلمین از طرفداران و حامیان آل‌بانی حمایت کرده و عرصه را برای فعالیت عمومی به روی آنان گشود. همزمان با گسترش فعالیت‌های مسلحانه که تعداد زیادی از مبارزان از جنگ افغانستان به اردن بازگشتند، حکومت از سلفیه آل‌بانی در مقابله با گفتمان‌های جهادی نیز بهره گرفت (هنیه و ابورمان، ۲۰۱۲: ۱۴-۱۳).

خودداری از مشارکت سیاسی مستقیم مانع از آن نشده که رهبران سلفی روابط خوبی با نهادهای رسمی به‌ویژه امنیتی برای مقابله با اخوان‌المسلمین و سلفی رادیکال برقرار سازند. با این حال، سلفی‌های علمی لحنی دموکراتیک ندارند و نگرشی سیاسی به مسائل حقوق بشر و آزادی‌های عمومی و خصوصی و حقوق زنان و تساهل دینی ارائه نمی‌دهند و افکار و تصورات «سنتی» بر نگرش سیاسی آنان سایه افکننده و محور اساسی اندیشه سیاسی آنان مبتنی بر لزوم تبعیت از ولی امر است و مخالفان سیاسی و احزاب را به لحاظ دینی غیرمشروع جلوه می‌دهند (ابو رمان، ۲۰۱۰: ۲۵۵-۲۴۵).

در فلسطین این جریان به نام «سلفیه تبلیغی» شناخته می‌شود. اینان خود را طرفداران روش معتدل و میانه دانسته و مدعی مخالفت با خشونت و تکفیر هستند. سلفیه تبلیغی نسبت به رویکرد فعالیت سیاسی یا ورود به آن بسیار محتاط است و محمود عباس را به عنوان ولی امر دانسته و خواهان تبعیت از اوست. سلفیه تبلیغی مخالف و منتقد جنبش حماس است و با حماس اختلافات فکری دارد. این جریان روش «عملیات‌های شهادت‌طلبانه» را رد می‌کند (عزام، ۲۰۱۴: ۱۶۴-۱۶۱).

سلفیه علمی در سوریه در دهه هشتاد و نود پس از حوادث حماة گسترش یافته و از فضای سلفیه سعودی تأثیر پذیرفت. به‌ویژه آنکه همزمان تعداد زیادی به عربستان پناهنده شدند و افراد زیادی برای کار و تحصیل به عربستان رفتند. آلبانی تأثیر زیادی بر عرصه دینی سوریه گذاشت و تلاش‌های آلبانی باعث تعمیق رویکرد دینی محض به مسائل سلفیه در سوریه شد و آن را به صورت کامل به سمت سلفی‌گری وهابی سستی یا سلفی علمی کشاند (الحاج، ۲۰۱۴: ۴۰). در تونس نیز سلفیه علمی مأموریت خود را فرهنگ‌سازی دینی و موعظه و ارشاد قرار داده است که برخی از مجموعه‌های آن با «مدخلی‌ها» پیوند پیدا می‌کنند. مهم‌ترین چهره سلفیه علمی در تونس کمال بن محمد بن علی مرزوقی و شیخ بشیر بن حسن هستند. در دوران بن علی، سلفیه علمی هیچ‌گونه موضع مخالفی علیه نظام نداشت بلکه همواره به تبعیت از نظام بن علی فرا می‌خواند همچنین رهبران این گفتمان عملیات‌های استشهادی مقاومت علیه اسرائیل را ممنوع و نوعی خودکشی قلمداد می‌کرد. اینان هرگونه فعالیت حزبی را رد می‌کردند (شعیبی، ۲۰۱۲: ۳).

در الجزایر نیز با آغاز دوره تکثر سیاسی سلفیه علمی رویکردی منفی درقبال فعالیت احزاب سیاسی در پیش گرفت. اینان به کارایی دموکراسی و انتخابات باور نداشتند. اما از گشایش سیاسی سال ۱۹۸۹ استفاده کرده و اقدام به گسترش فعالیت‌های خود در مساجد و دانشگاه‌ها نمودند.

مشارکت سیاسی و افول گفتمانی

یکی از مسائل اصلی که این گفتمان بر آن تأکید دارد توحید و تحقق آن است و باید

نسل‌های جدید بر اساس میراث اسلامی پاک‌شده از اسرائیلیات و فلسفه‌های گوناگون تربیت یابند. این گفتمان مخالفت هرگونه فعالیت سیاسی بود و دموکراسی را حرام و انتخابات را رد می‌کرد. اما پس از انقلاب‌های عربی تحولی در این باره صورت گرفته و درباره اهمیت حکومت و اجرای شریعت سخن‌هایی از سوی رهبران این گفتمان شنیده می‌شود. یاسر برهامی در پژوهشی با عنوان «روش سلفی» بر این مسئله تأکید می‌کند و معتقد است: «انقلاب‌های عربی نقطه تحول تاریخی در مسیر گفتمان‌های سلفی معاصر به شمار می‌رود، به‌گونه‌ای که گروه‌ها و جریان‌های سلفی تصمیم گرفتند وارد فعالیت‌های سیاسی و حزبی شده و در مناظره‌های رسانه‌ای و فرهنگی موجود در حوزه عمومی مشارکت کنند». پیش از این گفتمان‌های سلفی به‌طور کل و گفتمان سلفی آلبانی به صورت خاص جز استثناءهای اندک در جهان عرب از مشارکت سیاسی و فعالیت حزبی خودداری می‌کردند و تلاش خود را بر فعالیت آموزشی، تبلیغی و تربیتی متمرکز ساخته و با دلایل و بهانه‌های مختلف از ورود به «بازی سیاسی» خودداری می‌ورزیدند.

اما پس از انقلاب‌های عربی گفتمان سلفی علمی، دال مشارکت سیاسی را در نظام معنایی خود مفصل‌بندی کردند اما این دال با سایر مفاهیم و دال‌های این گفتمان همخوانی ندارد لذا خود به عاملی برای ساختارشکنی از گفتمان سلفی آلبانی تبدیل شده است. دال مشارکت سیاسی عنصری ناهم‌ساز است که بیش از آنکه ناشی از ضرورت‌های گفتمانی و در نظر گرفتن شرایط اجتماعی و فرهنگی برای سلفی‌ها باشد، از فشارهای بیرونی کشورهای حامی سرچشمه می‌گیرد. این دال هویت سلفی که خود را هویتی برتر از دیگران و مبراء از آلودگی‌های سیاست مدرن به تصویر می‌کشید، به چالش کشیده است.

دوره پس از انقلاب‌های عربی برای سلفی‌ها بدون هزینه نبود، به‌گونه‌ای که در مقابل دستاوردهای سیاسی و ظهور در علن و حضور و بروز رسانه‌ای و نفوذ جدید در حوزه عمومی به‌ویژه در کشورهای بهار عربی، این انقلاب‌ها، سلفی‌ها را در معرض دید قرار داد و آن‌ها به «سوژه» رسانه‌ای داغی تبدیل شدند. در نتیجه رفتارها و کنش‌های سلفی‌ها میزان خصومت‌ها در جهان عرب و نگرانی از طرح‌های اجتماعی و فرهنگی و اهداف سیاسی آنان را تشدید نمود. انقلاب‌های عربی به مثابه ضربه محکمی به

ایدئولوژی سلفی بود چرا که مردم شعارها و اهدافی را برای خود برگزیده بودند که به مردم سالاری نزدیکی بیشتری داشت اما در گفتمان سلفی دموکراسی «کالایی غربی» و بدعتی غیرقابل پذیرش قلمداد می شد که نمی بایست آن را پذیرفت. اما این کالا خواسته توده های مردم بود و این سلفی ها را در یک تنگنا قرار داد؛ یا می بایست روش سابق در رد دموکراسی در پیش می گرفتند که این در عمل به معنای درگیری با مردم بود یا باید موضع خود در قبال دموکراسی را تغییر می دادند که این به معنای بازنگری در قبال دموکراسی و پذیرش آن بود؛ این در عمل به معنای کنار گذاشتن بخش مستحکم و بنیادی از ایدئولوژی سیاسی گذشته و یا تلاش برای سازگاری بین گفتمان سلفی و تحولات جدید بود.

نتیجه

گفتمان سلفی علمی الگوی اصلی سیاست پرهیزی در میان جریان های سلفی معاصر در دنیای عرب است و با طرح مفهوم جدید «پاکسازی و تربیت» به ساختارشکنی گفتمان سلفی وهابی پرداخت و با تأکید بر عدم مداخله در سیاست و تأکید بر حدیث تلاش نمود تا ضمن اعتبارزدایی از گفتمان سلفی وهابی هژمونی آن بر عرصه دینی سلفی را بشکند. سلفی علمی خود را مصداق واقعی پیرو خط سلف صالح دانست و همه گفتمان های اسلامی و سلفی جهادی و صحوه را زیر سؤال برد. این گفتمان با غیریت سازی و بازنگری در فقه حنبلی حاکم، تلاش نمود تا هویت ویژه ای به سوژه هایش ببخشد که این هویت در طرز لباس پوشیدن، سبک نماز خواندن و برخی از احکام فقهی دیگر نمود پیدا کرد. گفتمان سلفی علمی از آنجا که نوعی تبعیت و تسلیم فردی در برابر نظام های حاکم را ترویج می کرد، در بسیاری از کشورهای عربی انتشار یافت و توانست سوژه های زیادی را جذب خود کند. با این حال پس از انقلاب های عربی در سال ۲۰۱۱ هواداران این گفتمان در مصر به مشارکت سیاسی روی آوردند. آنان دال مشارکت را وارد ساختار گفتمانی خود کردند که با سایر دال ها همخوانی نداشت و همین مسئله باعث شد که خود عاملی برای ساختارشکنی گفتمان سلفی علمی تبدیل شده و به اختلافات داخلی دامن زد، در نتیجه موجب بدبینی و

جدایی بسیاری از سوژه‌ها از این گفتمان و جذب آنان به گفتمان‌های رقیبی مانند سلفی جهادی یا اخوان شد. به‌رغم این تحولات منازعه در مورد رویکرد به قدرت سیاسی رسمی و یا کسب تدریجی قدرت از رهگذر تربیت و تزکیه عمومی همچنان کانون اختلاف بین بسیاری از سلفی‌هاست و گفتمان سلفی علمی پرچمدار مقابله با سیاست‌گرایی در جهان عرب است.



منابع

- ابو رمان، محمد (٢٠١٠)، *الإصلاح السياسي في الفكر الإسلامي، الشبكة العربية للأبحاث و النشر، بيروت، ط ١.*
- ابو رمان، محمد (٢٠١١)، «الماضي في الحاضر...التصفية و التربية عند الألباني»، في *مجموعة باحثين، رمائح الصحائف، السلفية الألبانية و خصومها، مركز المسبار للدراسات و البحوث.*
- ابو رمان، محمد و حسن ابوهنيه (٢٠١٢)، *الحل الإسلامي في الأردن، الإسلاميون و الدولة و رهانات الديمقراطية و الأمن، اردن: مؤسسة فريدريش إيبيرت.*
- ابو رمان، محمد (٢٠١٣)، *السلفية في المشرق العربي، في عماد عبدالغني، موسوعة الحركات الإسلامية في العالم العربي، بيروت: مركز الدراسات الوحدة العربية.*
- ابو رمان، محمد (٢٠١٣)، *السلفيون و الربيع العربي، سؤال الدين و الديمقراطية في السياسة العربية، بيروت: مركز دراسات الوحدة العربية.*
- ابوالمجد، احمد كمال (١٩٨٨)، *حوار لا مواجهه، القاهرة: دار الشروق.*
- أحمد، عبد القادر (١٩٨٥)، *الآفات العشرون: نحو جيل مسلم، القاهرة: دار التوزيع و النشر الإسلامية.*
- استوكر، جري و مارش، ديويدي (١٣٨٤)، *روش و نظريه در علوم سياسي، ترجمه امير محمد حاجي يوسفی، تهران: پژوهشكده مطالعات راهبردی.*
- ألباني، محمد ناصر الدين، *حقيقة الدعوة السلفية، اسلام ويب، الرابط [https://audio.islamweb.net/audio/index.php?page=FullContent&audioid=](https://audio.islamweb.net/audio/index.php?page=FullContent&audioid=2016/11/15)*
- ٢٠١٦/١١/١٥
- ألباني، محمد ناصر الدين (١٩٧٩)، *الأجوبة النافعة عن اسئلة لجنة مسجد الجامعة، المكتب الإسلامي، بيروت، الطبعة الثانية.*
- ألباني، محمد ناصر الدين (١٩٨٣)، *التوسل أنواعه و أحكامه، المكتب الإسلامي، بيروت، الطبعة الرابعة.*
- ألباني، ناصر الدين (١٩٨٤)، *شرح العقيدة الطحاوية، منشورات المكتب الإسلامي، دمشق سنة.*
- ألباني، محمد ناصر الدين (١٩٩١)، *مختصر العلو للعلی الغفار، تأليف الحافظ شمس الدين الذهبي، المكتب الإسلامي، بيروت، الطبعة الثانية.*
- ألباني، محمد ناصر الدين و مقبل بن هادي الوادعي و آخرون (١٩٩٢): *مسائل عصرية في السياسة الشرعية، مجلة الأصالة، ١٥ جمادى الآخرة، العدد الثاني.*

- ألباني، محمد ناصر الدين (١٩٩٢)، *صفة صلاة النبي صلى الله عليه و سلم من التكبير إلى التسليم كأنك تراها*، مكتبة المعارف، الرياض، الطبعة الثانية.
- ألباني، محمد ناصر الدين (١٩٩٥) (ب)، *سلسلة الأحاديث الصحيحة*، رياض: مكتبة المعارف، المجلد ١٢.
- ألباني، محمد ناصر الدين (١٩٩٦)، *مساجلة علمية بين الإمامين الجليلين العزيم عبد السلام و ابن الصلاح*، المكتب الإسلامي، بيروت، الطبعة الثانية.
- ألباني، محمد ناصر الدين (١٩٩٧)، *التفسير والحكم بغير ما انزل الله*، رياض: دار ابن خزيمة للنشر و التوزيع، الطبعة الثانية.
- ألباني، محمد ناصر الدين (١٩٩٩)، *معنى السلفية، في سميير الزهيري*، محدث العصر الألباني، الرياض: دار المغني للنشر و التوزيع، الطبعة الثانية.
- ألباني، محمد ناصر الدين (٢٠٠٠)، *التصنيفية و التربية و حاجة المسلمين إليها*، المكتبة الإسلامية، الطبعة الأولى.
- ألباني، محمد ناصر الدين (٢٠٠١)، *سؤال و جواب حول فقه الواقع*، الأردن: المكتبة الإسلامية، الطبعة الثانية.
- ألباني، محمد ناصر الدين (٢٠٠١)، *فقه الواقع*، المكتبة الإسلامية، عمان، الطبعة الثانية.
- ألباني، محمد ناصر الدين (٢٠٠٦)، *المقالات السننية في حزب التحرير و الجماعات التكفيرية*، إعداد *موسى بن عبد الله ال عبدالعزيز*، كتاب السلفية، دار البحوث و الدراسات المعاصرة و التراجم، الرياض، الطبعة الأولى.
- ألباني، محمد ناصر الدين (٢٠١٣)، *الدعوة السلفية أهدافها و موقفها من المخالفين لها*، جمع و إعداد عصام موسى هادي، الرابط <http://www.almeshkat.net/vb/showthread.php?t=١٢٤٥٧٧#gsc.tab=#> تاريخ آخر المراجعة: ٢٠١٦/١١/١٦.
- ألباني، محمد ناصر الدين (٢٠١٤)، *«التصنيفية و التربية»*، موقع سحاب السلفية، الرابط <http://www.sahab.net/forums/index.php?showtopic=> تاريخ آخر المراجعة: ٢٠١٦/١١/٢٣
- بتيري، وائل (٢٠٠٥)، *كلمة حق للمحدث الألباني في الأستاذ سيد قطب*، مكتبة البراق، عمان، الطبعة الأولى.
- بن إبراهيم بن عبد اللطيف آل الشيخ، محمد (١٩٩٩)، *فتاوى و رسائل*، مكة المكرمة: مطبعة الحكومة، المجلد ١٠.
- بن حسن آل سلمان، مشهور (٢٠٠٤)، *السياسة التي يريدونها السلفيون*، الدار الأثرية، عمان، الطبعة الأولى.
- جزائري، عبدالمالك بن احمد بن المبارك رمضان (١٩٩٧)، *مدارك النظر في السياسة بين التطبيقات الشرعية و الانفعالات الحماسية... قرأه و قرظه العلامة الشيخ محمد ناصر الدين الألباني*، دار أهل الحديث، الطبعة الثانية.

- حاج، عبدالرحمن (٢٠١٤)، «السلفية و السلفيون فى سورية: من الإصلاح إلى الثورة»، فى مجموعة باحثين، الظاهرة السلفية، الدوحة: مركز الجزيرة للدراسات.
- حلبى، على (١٩٨٥)، البيعة بين السنة و البدعة عند الجماعات الإسلامية، المكتبة الإسلامية، عمان، الطبعة الأولى.
- حلبى، على (٢٠٠٧)، حول الدعوة السلفية مرة أخرى و ليست أخيرة، جريدة الغد الأردنية، العدد ١٠١٧، الجمعة ٢٥ مايو.
- دينى، يوسف (٢٠١١)، روائح الصحائف: الاحتراب على تمثيل السلفية بين الألبانية و خصومها، فى مجموعة باحثين، روائح الصحائف، السلفية الألبانية و خصومها، مركز المسبار للدراسات و البحوث.
- سالم ولد محمد، محمد (٢٠١٤)، «السلفية فى موريتانيا و منطقة الساحل الإفريقى» فى مجموعة باحثين، الظاهرة السلفية، الدوحة: مركز الجزيرة للدراسات.
- سالم، احمد و عمر بسيونى (٢٠١٥)، ما بعد السلفية، قراءة نقدية فى الخطاب السلفى المعاصر، بيروت: مركز نماء للبحوث و الدراسات، الطبعة الأولى.
- شقره، محمد ابراهيم (٢٠٠٠)، هى السلفية: نسبة و عقيدة و منهاجا، من دون ناشر، الطبعة الثانية.
- شيبانى، محمد بن ابراهيم (١٩٨٧)، حياة الألبانى و آثاره و ثناء العلماء عليه، القاهرة: مكتبة السداوي.
- عبدالغنى، عماد (٢٠١٣)، موسوعة الحركات الإسلامية فى العالم العربى، بيروت: مركز الدراسات الوحدة العربية.
- عبدالهلالي، سليم (١٩٩٩)، لماذا اخترت المنهج السلفى، دار اهل الحديث، الطبعة الأولى.
- عزام، ماجد (٢٠١٤)، «السلفية فى فلسطين: الخلفيات، الواقع و الأفاق» فى مجموعة باحثين، الظاهرة السلفية، الدوحة: مركز الجزيرة للدراسات.
- لاكروا، ستيفان (٢٠١٤)، بين الثورة و اللاسياسية ناصر الدين الألبانى و تأثيره على تشكيل السلفية المعاصرة، فى رول ميير، السلفية العالمية الحركات السلفية المعاصرة فى عالم متغير، ترجمة محمد محمود التوبة، بيروت: الشبكة العربية للأبحاث و النشر، الطبعة الأولى.
- مجدوب، محمد (١٩٨٦) علماء و مفكرون عرفتهم، القاهرة: دار الاعتصام، ج ١.
- محمد بن سرور شعبان، ابو عبدالرحمن (٢٠٠٧)، الشيخ الألبانى و منهجه فى تقرير مسائل الاعتقاد، دار الكتاب، الرياض و مكتبة بن تيمية، الشارقة، الطبعة الأولى.
- منوچهرى، عباس (١٣٩٤)، رهيافت و روش در علوم سياسى، تهران: سمت.
- نسیره، هانى (٢٠١٣)، «التيارات السلفية فى بلاد وادى النيل»، فى عماد عبدالغنى، موسوعة الحركات الإسلامية فى العالم العربى، بيروت: مركز الدراسات الوحدة العربية.

- وادعی، مقبل بن هادی (۲۰۰۲)، *المخرج من الفتنة*، صنعاء: مكتبة صنعاء الأثرية، الطبعة الأولى.
- Brown, Daniel (2003), *Rethinking Tradition in Modern Islamic Thought*, Cambridge University Press.
- Laclau, E, Mouffe, C. (1985), *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*. London: Verso.
- Lacroix, Stephane(2011), *Awakening Islam, The Politics of Religious Dissent in Contemporary Saudi Arabia*, Translated by George Holoch, Harward University Press.

